

تأثیر اذن والدین در امنیت فرزندان از منظر قرآن و روایات

سیده خدیجه موسوی^۱

چکیده:

خانواده یکی از مهم ترین ارکان جامعه و زندگی هر فرد است. خانواده از اعضای مختلفی تشکیل می شود، ابتدا پدر و مادر از طریق ازدواج و سپس فرزندان از اعضای یک خانواده هستند. افراد در هر خانواده وظایفی را به عهده دارند. یکی از این وظایف مهم که توسط فرزندان لازم الاجراست، اطاعت از والدین و پذیرش اذن آنان است. منظور از اذن والدین، اجازه گرفتن و تایید والدین است که پس از تایید یا عدم تایید توسط والدین در صورتی که مخالف با حکم الهی نباشد لازم است اما اینکه این اذن در چه امور و چه زمانی از زندگی است با استفاده از آیات و روایات استخراج می شود. قرآن این کتاب آسمانی در برخی از آیات تاکید به اذن والدین و سفارش به اطاعت از والدین دارد و در روایات بدان اشاره شده است. ضرورت این تحقیق از آن رو است که اذن والدین تنها مربوط به دوران خردسالی نیست و در دوران جوانی این امر غیر ضروری است به ویژه در نسل کنونی که فرزندان خود را مختار می دانند. حال سوال اینجاست که جایگاه اذن والدین از منظر اسلام چیست؟ نتایج حاصله از تحقیق نشان می دهد که فرزندان نابالغ باید پیش از ورود به خلوت گاه والدین اجازه بگیرند و از طرفی والدین وظیفه دارند که این مسئله تربیتی را در همان دوران کودکی به فرزند خود آموزش دهند در رابطه با سن و محدوده اذن والدین برای فرزند خداوند دو محدوده بلوغ و قبل از بلوغ را مطرح می سازد اما در روایات این مسئله به سه دوران پیش از هفت سالگی، هفت سالگی دوم و هفت سالگی سوم تقسیم می کنند اذن و نرمش سبب شکل گیری بهتر شخصیت کودک می شود.

کلید واژه: بالغ و ممیز، اذن، امنیت و آرامش

۱- طلبه سال آخر سطح دوم حوزه فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) قائم شهر

۱. مقدمه:

از مهم ترین مسئله در شکل گیری شخصیت کودک تربیت صحیح و به هنگام وی است. قرآن، این کتاب آسمانی مجموعه ای از آداب اجتماعی و اخلاقی است که افراد و جامعه را به سمت بهبود شرایط و رسیدن به کمال هدایت می کند. خداوند متعال در زمینه آموزش آداب اجتماعی دستوراتی را فرمودند که یکی از این دستورات اذن افراد برای داخل شدن به حریم خصوصی دیگران است. از آنجایی که تربیت غالباً در محیط خانواده صورت می گیرد لذا خداوند در قرآن به اذن والدین برای فرزندان اشاره دارد که با توجه به آیه ۵۸ سوره نور تاکید به اذن فرزند نابالغ و بالغ دارد. در تحقیقات انجام شده در مقاله (اذن خواهی فرزند نابالغ در آیه استئذان (نور، ۵۸) از منظر فقه تربیتی) آیه درصدد بیان تکلیف پذیری والدین به لسان اذن خواهی کودک است، کما این که حکم مستفاد از آیه شریفه استحباب نبوده و قرائن داله بر وجوب آن دلالت دارد؛ بنابراین بر پدر و مادر واجب شده است که به کودکان نابالغ خود برای ورود به خلوت والدین، ادب استیذان را بیاموزند. در تفاسیر نیز به اهمیت اذن والدین تاکید شده است و فرزندان را موظف به گرفتن اذن میداند و والدین را به تربیت فرزندان خود موظف می کند هدف از این تحقیق درک صحیح منظور خداوند از جواز اذن والدین و آشنایی کلی با این مفهوم که منجر به کسب سعادت دنیوی و اخروی در انسان می شود.

۲. مفهوم شناسی:

۲.۱. بالغ و ممیز:

بالغ از ریشه بلغ به معنی رسیدن است این واژه که با بلوغ هم معنی گرفته شده است و منظور از بالغ فردی است که به دوران بلوغ رسیده باشد، گویند. لذا منظور از بلوغ رسیدن به مراد، رسیدن یا نزدیک شدن به پایان مقصد (مکان، زمان یا امری دیگر)، کامل شدن و رسیدن کودک به سنّ رشد به کار رفته است و به طور کلی آغاز مرحله‌ای طبیعی در زندگی کودک است که با پیدایش غریزه جنسی و ایجاد تغییرات جسمی و روانی و رشد عقلی و ادراکی، از دوران کودکی خارج و به بزرگسالی پا می‌گذارند.^۱

بالغ در اصطلاح به موجود زنده‌ای که به مرحله‌ی رشد کامل رسیده و محتلم شد می‌تواند تولید مثل کند و از نظر شرعی مسئولیت‌پذیر و مکلف گردد، می‌گویند.^۲

ممیز واژه‌ای عربی است که مصدر آن بر وزن تمیز است و در لغت به معنای جدا کننده میان اشیاء معنا می‌دهد.^۳ همچنین به معنای تمیز داده شده، تشخیص داده شده، آدمیان را به فضیلت نطق و مزیت عقل از دیگر حیوانات ممیز گردانید.^۴

اما در اصطلاح فقهی منظور از کودک ممیز؛ کودکی است که دارای قصد و اراده است و کلام دیگران را متوجه می‌شود و توانایی جواب به آن‌ها را دارد و نیز غیر این‌ها از اموری که شخص بالغ عاقل انجام می‌دهد اعم از احکام تکلیفی، استحبابی و حقوقی را شامل می‌شود.^۵ اما در مقابل کودک غیرممیز قرار دارد که توانایی قصد و تشخیص امور را ندارد و نمی‌تواند مفاهیم را درک نماید لذا مشمول هیچ حکمی از احکام تکلیفی هر چند احکام مستحبی، قرار نمی‌گیرد و توانایی حقوقی و قانونی هیچ کاری نیز بر عهده ندارد.^۶

۲.۲. اذن:

۱. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۱۳۴

۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۴۲۰

۳. فراهیدی، العین، ج ۷، ص ۳۹۴

۴. دهخدا، لغت نامه، ص ۶۷۹۸

۵. محقق حلی، المعتمد، ج ۲، ص ۷۴۷

۶. علامه حلی، تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۱۱۰

این واژه در لغت به معنای علم، رخصت و اباحه، استماع و فرمان، اراده، اعلام، اطاعت آمده است.^۱ واژه «إذن» یکی از مصطلحات قرآنی است. واژه پژوهان معتقدند که ریشه اصلی این واژه «أذن» گوش است و سپس از آن فعل «أذن له» به سخن او گوش داد (اطاعت) مشتق شده است. از آنجایی که علم به هر مسموعی با گوش حاصل می شود لذا به علم و آگاهی تعبیر شده است زیرا غالباً علوم از راه گوش به دست می آیند و شنیدن مبدأ آنها است. ایذان به معنای اذن دادن و استیذان به معنای اذن گرفتن از مشتقات قرآنی این واژه است.^۲

اذن در اصطلاح؛ غالباً، اعلام رخصت و رضایت پیش از تصرف و عمل، و اجازه، ابراز رضایت پس از عمل است.^۳

برای اذن تقسیماتی در نظر گرفته شده است که با توجه به حالات و و لحن بیان و فرد صاحب اذن بدین شرح است: از جهت صراحت بیان، به اذن صریح و ضمنی و شاهد حال؛ از جهت مأذون له، به اذن خاص و عام؛ از جهت اذن دهنده، به اذن اشخاص که اذن مالک یا صاحب حق یا ولی و قیم است و اذن قانونی که خدا، شارع و قانون گذاران عادی تقسیم می شود.^۴

۳-۲. امنیت و آرامش:

امنیت از ریشه امن در لغت به معنای در امان بودن و مصون بودن از هرگونه تعرض و در آرامش و آسودگی بودن است.^۵

امنیت در اصطلاح عبارت است از در معرض خطر نبودن یا از خطر محافظت شدن. امنیت همچنین عبارت است از: رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند که خواه فردی، ملی یا بین المللی باشد.^۶

آرامش آرامش اسم مصدر از آرمیدن است در لغت به معنی حالتی نفسانی همراه با آسودگی و ثبات، در اصطلاح به حالت نفسانی و صفت روانی و قلبی خاص (آسودگی خاطر، ثبات و طمأنینه) گفته می شود که در برابر اضطراب می باشد.^۷

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۱۰۵

۲. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۷۱

۳. خمینی، البیع، ج ۲، ص ۱۰۴

۴. عسکری، الفروق اللغویه، ج ۱، ص ۱۹۱

۵. قرشی بنابی، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۱۲۳

۶. میرعرب سجادی، نیم نگاهی به مفهوم امنیت، ص ۱۴،

۷. دهخدا، لغت نامه، ص ۹۸

۳. فلسفه اذن والدین برای فرزند

اسلام دین زندگی است و از جامعیت کاملی برخوردار است طوری که هم برای مسایل مهم مانند تشکیل حکومت جهانی طرح و برنامه دارد و هم برای مسائل جزئی مانند ورود کودک به افاق والدین از طرفی تمام احکام قرآن، الهی و بر اساس علم و حکمت است.^۱ اهمیت اذن والدین و لزوم آن که در قرآن طی یک آیه به نام آیه "استیذان" مطرح شد که علاوه به آداب ورود به جایگاه خصوصی پدر و مادر به مسئله مهم تری یعنی عفت عمومی اشاره دارد و بر لزوم آن تاکید می کند.^۲ این آیه که در واقع آیه ۵۸ سوره نور است خداوند می فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَ الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ؛ ای اهل ایمان! باید بردگانتان و کسانی از شما که به مرز بلوغ نرسیده اند [هنگام ورود به خلوت خانه شخصی شما] سه بار [در سه زمان] از شما اجازه بگیرند، پیش از نماز صبح، و هنگام [استراحت] نیم روز که جامه هایتان را کنار می نهید، و پس از نماز عشا؛ [این زمان ها] سه زمان خلوت شماست، بعد از این سه زمان بر شما و آنان گناهی نیست [که بدون اجازه وارد شوند؛ زیرا آنان] همواره نزد شما در رفت و آمدند و با یکدیگر نشست و برخاست دارید. این گونه خدا آیاتش را برای شما بیان می کند، و خدا دانا و حکیم است» (نور: ۵۸)

شان نزول آیه چنین آمده است که اسماء دختر ابی مرشد را غلامی بود، وقتی به خانه وارد شد اسماء در حالتی بود که نخواست غلام او را چنان ببیند؛ پس از آمدن او، کراحت یافته، خدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد عرض کرد: این غلامان و خدمتگاران ما در خانه های ما درآیند در اوقاتی که ما را از آن کراحت باشد؛ در این هنگام آیه شریفه نازل شد.^۳ در ابطه با این آیه برخی فقها به ظاهر آیه تمسک کرده و کودک نابالغ را مکلف دانسته و حکم مزبور را از مستثنیات قاعده عدم تکلیف کودک نابالغ شمرده اند و در مقابل عده دیگری از فقها، مستفاد از آیه را تکلیف والدین دانسته و بر آنان واجب نموده اند که استیذان را به فرزند نابالغ خود آموزش داده و آن ها را بر این سیره تربیت نمایند^۴ اما در تفسیر این آیه چنین آمده است که (وضع ثياب) در جمله (تضعون

۱. قرآنی، تفسیر نور، ج ۶، ۲۱۱

۲. مکارم شیرازی و جمعی از فضلا، برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ۳۶۹

۳. حسینی شاه عبدالعظیمی، تفسیر اثنی عشری، ج ۹، ص ۲۸۱

۴. سانلی، اذن خواهی فرزند نابالغ در آیه استیذان (نور، ۵۸) از منظر فقه تربیتی، ص ۲۳

فرزند، بسیار مهم است شکلگیری درست خودپنداره در کودکان نقش مهمی در بزرگسالی کودک دارد؛ خودپنداره به معنای تصور و دریافتی است که ما در ذهنمان از خودمان داریم. خوبی کردن یا بدی کردن دیگران، در خودپنداره هر فرد، برای همیشه می ماند. خودپنداره بیشتر برآیند برخوردها و گفتارهای دیگران است. روانشناسان ریشه بسیاری از رفتارهای منفی و نابهنجار را کمبود شخصیت یا پایین بودن عزت نفس افراد می دانند. شخص خودکمبین، واکنش های منفی از خود بروز می دهد و به مکانیزم دفاعی جبرانی روی می آورد. چنین فردی می کوشد از راه واکنش معکوس، یعنی با ابراز خود بزرگبینی و نیز با زورگویی و پرخاشگری، کمبودها و کاستی هایش را جبران می کند.^۱ امام صادق (ع) می فرماید: «معمولاً انسان هایی که دچار خودبزرگبینی، کبر و زورگویی می شوند؛ به خاطر احساس خودکمبینی است که در خود دارند.»^۲

گاهی والدین نسبت به فرزندان خود چنان سخت گیرانه عمل می کنند که فرزند توان بیان درخواست خود را ندارد و حتی در برخی از خانواده به خصوص در صورت داشتن چند فرزند نسبت به خواسته های مشابه فرزندان نظرات متفاوتی بر حسب روحیه فرزند و میزان محبت خود به فرزند دارند در این صورت نوعی حسادت و رقابت منفی میان فرزندان شکل می گیرد. محبت باید در خانواده عادلانه توزیع شود تا امنیت خانواده تأمین گردد و گرنه موجب حسادت و برخورد و ناامنی می شود. مانند نحوه برخورد حضرت یعقوب با فرزندان^۳.

علاقه یعقوب به یوسف، به دلیل خردسال بودن یا به دلیل کمالاتی که داشت، موجب حسادت برادران شده بود. آنها علاوه بر حسادت با گفتن: «وَنَحْنُ عُصْبَةٌ» نشان دادند که دچار غرور و تکبر شده و در اثر این غرور و حسد، پدر را متهم به اشتباه و انحراف در مهر ورزی به فرزندان می کنند باید دانست که میان تبعیض و تفاوت گذاشتن میان فرزندان فرق وجود دارد بدین شکل که تبعیض؛ برتری دادن بدون دلیل است. ولی تفاوت؛ برتری بر اساس لیاقت است. مثلاً نمره های یک معلّم، تفاوت دارد، ولی این تفاوت حکیمانه است، نه ظالمانه. گرچه علاقه ی حضرت یعقوب به یوسف، حکیمانه بود نه ظالمانه؛ اما علاقه زیاد، سبب دردسر می شود. جوانان نوعاً خود را عقل کل دانسته و به نظرات پدران کمتر اهمیت می دهند، لذا سعی بر این دارند تا از والدین خود کمتر اذن و اجازه ای دریافت کنند لذا والدین وظیفه دارند تا فرزند را از سنین کودکی و نابالگی با مفهوم اجازه گرفتن و اطلاع دادن

۱. شاملی، فرایند تربیت فرزندان در اندیشه دینی، ص ۱۶

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۱۲

۳. پناهی، خانواده از منظر دین و روان شناسی، ص ۴۲

آشنا کنند و با محبت و خوش اخلاقی سعی در جلب نظر فرزندان داشته باشند فرزندی که این امور را در سنین پایین درک کند از نظر روانی بهتر عمل می کند و خود را در امنیت کامل می بیند.^۱

اجازه گرفتن فرزند از والدین برای ورود به اتاق به دلیل حفظ حجب و عفت و پرده پوشی در مقابل فرزندان باعث ایجاد نوعی حریم شده که از پریشان شدن ذهنی فرزندان جلوگیری می کند و این خود نوعی امنیت و آرامش در فرزندان است لذا آموزش باید تدریجی، بدون سختگیری و سهلانگاری و به صورت مستمر باشد و نکاتی همچون آداب شرعی را به کودک آموزش دهند. خود والدین نیز موظفند با پوشش مناسب جلوی کودکان ظاهر گردند و از عوامل برانگیزانندهی جنسی دوری کنند تا نتایج منفی، همچون بلوغ زودرس نداشته باشند.^۲

نتیجه:

با توجه به اینکه خداوند در سوره نور به اهمیت اذن والدین برای دخول در اتاق تاکید کرده است در رابطه با فلسفه این مسئله مفسران بیان می کنند فرزندان نابالغ باید پیش از ورود به خلوت گاه والدین اجازه بگیرند و از طرفی والدین وظیفه دارند که این مسئله تربیتی را در همان دوران کودکی به فرزند خود آموزش دهند در رابطه با سن و محدوده اذن والدین برای فرزند خداوند دو محدوده بلوغ و قبل از بلوغ را مطرح می سازد اما در روایات این مسئله به سه دوران پیش از هفت سالگی، هفت سالگی دوم و هفت سالگی سوم تقسیم می کنند فرزندان باید نحوه اجازه خواستن و موارد اجازه را بیاموزند در سنین بالاتر این اجازه در بسیاری از امور از والدین جنبه احترام خواهد داشت. در مواردی مثل رفتن به مکان عمومی، خوردن در منزل خویشاوندان و دوستان و ازدواج زن پس از طلاق نیاز به اذن والدین نیست. این اذن برای فرزند ایجاد امنیت و آرامش روانی می کند و در سنین پایین از رسیدن به بلوغ زود رس جلوگیری می کند و مانع از بین رفت عفت و حیای فرزندان می شود والدین باید توجه داشته باشند که به تمام خواسته های فرزند پاسخ منفی صریح ندهد و در برخی موارد لازم به موافقت و نرمش است و این اذن و نرمش سبب شکل گیری بهتر شخصیت کودک می شود.

منابع:

* قرآن

۱. قرآنی، تفسیر نور، ج ۴، ص ۱۶۱

۲. ایزنلو زارع، ادبیات اجازه گرفتن کودکان در خانه، با تأکید بر آیهی ۵۸ سورهی نور با تکیه بر بررسی تفاسیر معتبر شیعه و اهل سنت، ص ۱۰

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، دار الصادر، بيروت، جلد ۱، ۱۴۱۴
۲. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، دار الصادر، بيروت، جلد ۸، ۱۴۱۴
۳. ايزانلو، اميد_زارع ، محبوبه_ ادبيات اجازه گرفتن کودکان در خانه، با تأكيد بر آيهی ۵۸ سورهی نور با تكيه بر بررسی تفاسير معتبر شيعه و اهل سنت، همایش خانواده و تربیت جنسی، ۱۳۹۴
۴. پناهی، علی احمد، خانواده از منظر دين و روان‌شناسی، معرفت، شماره ۱۳۵، ۱۳۸۷
۵. حرعاملی ، محمد بن حسن، وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعة، تحقيق و تصحيح عبدالرحيم الربانی الشيرازی، تهران: کتابفروشی اسلاميه، جلد ۱۶، چاپ ۱۰، ۱۳۸۶
۶. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین ، تفسير اثني عشری، تهران: انتشارات ميقات، چاپ اول، جلد ۹، ۱۳۶۳
۷. خمینی، روح الله، کتاب البيع ، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی(س)، کتاب البيع، جلد ۲، ۱۳۹۲
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۷۷ ۸.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بيروت، دارالعلم الدار الشامیة، چاپ اول، ۱۴۱۲
۱۰. سائلی، علی ، اذن خواهی فرزند نابالغ در آیه استئذان (نور، ۵۸) از منظر فقه تربیتی ، مطالعات فقه تربیتی - شماره ۳۴، ۱۳۹۹
۱۱. شاملی ، عباسعلی، فرایند تربیت فرزندان در اندیشه دینی، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۴، ۱۳۸۳

۱۲. شرفی، حسین، شهید مطهری و حقوق زن در اسلام، پژوهش های قرآنی ویژه نامه استاد شهید مطهری، شماره ۱۷ و ۱۸؛ ۱۳۷۸

۱۳. طباطبایی، محمد حسین ، تفسیر المیزان ، مترجم: محمد باقر موسوی، قم. دفتر انتشارات اسلامی، جلد ۱۵، ۱۳۷۸

۱۴. عسکری، حسن بن عبد الله، الفروق اللغویه، مترجم: محمد ابراهیم سلیم، قاهره، ناشر: دار العلم و الثقافة، جلد ۱، ۱۹۹۸

۱۵. علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکره الفقهاء، قم، موسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، جلد ۷، ۱۴۲۲

۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین ، قم ، انتشارات هجرت ، چاپ دوم، ج ۷، ۱۴۱۰

۱۷. قرائتی، محسن ، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، چاپ یازدهم، جلد ۴، ۱۳۸۳

۱۸. قرائتی، محسن ، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، چاپ یازدهم، جلد ۶ ، ۱۳۸۳.

قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، جلد ۱، ۱۳۶۴، ۱۹.

۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب؛ کافی، مترجم صادق حسن زاده، قم، صلوات، چاپ اول، جلد ۶، ۱۳۸۸

۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب؛ کافی، مترجم صادق حسن زاده، قم، صلوات، چاپ اول، جلد ۲، ۱۳۸۸

۲۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفا، چاپ دوم، جلد ۳، ۱۴۰۳، ۴۷

۲۳. محقق حلی، شیخ نجم الدین جعفر بن الحسن بن یحیی بن سعید هذلی ، المعتبر فی شرح المختصر، مترجم: ناصر مکارم شیرازی، قم ، مؤسسه سید الشهداء (ع)، جلد ۲ ، ۱۴۰۷

۲۴. مکارم شیرازی و جمعی از فضلا، ناصر ، برگزیده تفسیر نمونه، تنظیم احمد علی بابایی، تهران:
دارالکتب اسلامیة، جلد ۱، ۱۳۸۶

۲۵. مکارم شیرازی و جمعی از فضلا، ناصر ، برگزیده تفسیر نمونه، تنظیم احمد علی بابایی، تهران:
دارالکتب اسلامیة، جلد ۳، ۱۳۸۶

۲۶. مکارم شیرازی و جمعی از فضلا، ناصر ، برگزیده تفسیر نمونه، تنظیم احمد علی بابایی، تهران:
دارالکتب اسلامیة، جلد ۱۴، ۱۳۸۶

۲۷. میرعرب، مهرداد _ سجادی، سید عبدالقیوم ، نیم نگاهی به مفهوم امنیت، علوم سیاسی، شماره ۹،
۱۳۷۹،